

به نام پروردگاریکتا

## جغرافیای تاریخی: پیشرفت و چشم انداز

مایکل پاسیون

ترجمه

بهزاد اصغری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

### جغرافیای تاریخی: پیشرفت و چشم‌انداز

مؤلف: مایکل پاسیون

مترجم: بهزاد اصغری

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: الغدیر

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

عنوان و نام پدیدآور: جغرافیای تاریخی: پیشرفت و چشم‌انداز/ [ویراستار] مایکل پاسیون؛ ترجمه بهزاد اصغری.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۴۳ ص.: مصور، جدول.

شابک: 978-622-6304-68-9

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Historical geography : progress and prospect.c1987.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: جغرافیای تاریخی

Historical geography

شناسه افزوده: پشن، مایکل، ۱۹۴۷ - م، ویراستار

شناسه افزوده: Pacione, Michael

شناسه افزوده: اصغری، بهزاد، ۱۳۶۳-، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: G۱۴۱

رده بندی دیویی: ۹۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۲۶۶۸۳

تقدیم به همسر مهربانم  
که زیبایی را به زندگی من بخشید

بهزاد اصغری



## فهرست

### فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۳۵	فصل اول: نظریه و روش‌شناسی در جغرافیای تاریخی
۷۸	فصل دوم: منابع داده در جغرافیای تاریخی
۱۰۸	فصل سوم: عصر تاریکی
۱۴۶	فصل چهارم: جامعه و اقتصاد قرون میانه
۱۸۷	فصل پنجم: کشاورزی و جامعه روستایی
۲۳۵	فصل ششم: جغرافیای تاریخی تغییرات صنعتی
۲۷۲	فصل هفتم: مردم و مسکن در جامعه صنعتی
۳۲۱	فصل هشتم: جمعیت‌شناسی تاریخی
۳۶۸	فصل نهم: ریخت‌شناسی شهری
۴۰۶	فصل دهم: سکونت‌گاه‌های روستایی
۴۴۳	تشکر از حامیان این اثر

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۲ منابع اطلاعاتی در تفسیر جغرافیایی ..... ۸۸
- جدول ۲-۲ منابع داده در مجله جغرافیای تاریخی ۸۵-۱۹۷۵ ..... ۹۱
- جدول ۱-۷ خوداشتغالی در انگلستان و ولز ..... ۲۹۷
- جدول ۲-۷ ساختار اشتغال در املاک شورایی حاشیه‌ای لندن ..... ۲۹۹

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۲ الگوی منابع برای جغرافیای تاریخی ..... ۸۳
- نمودار ۲-۲ مقایسه منابع مورد استفاده در تفسیر جغرافیایی و مجله جغرافیای تاریخی ..... ۹۶
- نمودار ۱-۷ تفکیک خیابان جلویی / خیابان پشتی در مرکز مرثر تیدویل ۱۸۵۱ ..... ۲۸۵
- نمودار ۱-۸ بررسی‌های پیشگیرانه و مثبت مالتوسی ..... ۳۳۳
- نمودار ۱-۹ سنت‌های اصلی در ریخت‌شناسی شهری: تبارشناسی شماتیک ..... ۳۷۱
- نمودار ۱-۱۰ ویژگی‌های اسکان در امتداد ترنسکت بخش هلرستون، یورکشایر ..... ۴۱۲
- نمودار ۲-۱۰ مطالعات سکونت‌گاه‌های روستایی: عناصر توصیفی ..... ۴۱۹

## مقدمه مترجم

جغرافیای تاریخی علمی میان‌رشته‌ای مشتق از علم جغرافیا و تاریخ است که در تعریف حدود آن اختلاف وجود دارد. این گرایش جزء علوم متأخر به حساب می‌آید و سابقه شناسایی آن به‌عنوان یک علم به قرن هفدهم میلادی باز می‌گردد. اگرچه پیش از این قرن، آثاری در حوزه جغرافیای تاریخی به نگارش درآمده، اما اصطلاح جغرافیای تاریخی در عمل از قرن هفدهم وارد حوزه مفاهیم علوم انسانی و طبیعی شده است. از سال ۱۶۱۶م با چاپ اولین کتاب در این حوزه با عنوان «جغرافیای تاریخی آلمان» توسط فیلیپ کلور<sup>۱</sup> این علم هویتی جدید یافت و اندک‌اندک به‌عنوان یک رشته تخصصی وارد دانشگاه شد؛ از دهه ۱۹۸۰م نیز آموزش‌های خاصی برای دانشجویان این رشته در نظر گرفته شد.

قدمت رشته جغرافیای تاریخی در ایران متأثر از روند پیدایش این علم سابقه زیادی ندارد. به‌عبارتی اگرچه آثاری در این حوزه در ایران به نگارش درآمده و در آن‌ها این گرایش قابل‌ردیابی است، اما ورود این مفهوم به حوزه معرفت ایرانی در قالب جدید به قرن بیستم باز می‌گردد. احتمالاً یکی از اولین آثاری که مفهوم جغرافیای تاریخی در ایران را مورد استفاده قرار داده است، اثر بارتولد با عنوان *تذکره جغرافیای تاریخی ایران* است که در سال ۱۳۰۸ به فارسی ترجمه شده است.<sup>۲</sup> البته این ترجمه، ترجمه اشتباهی از عنوان اصلی کتاب است<sup>۳</sup> که بیشتر به معنی بررسی تاریخی و جغرافیایی ایران است. در هر صورت این اصطلاح از قرن بیستم میلادی و اوایل قرن چهاردهم هجری خورشیدی در حوزه معرفت ایرانی نمود یافت و اندک‌اندک به‌خصوص از دهه ۱۳۴۰ و

---

1. Philipp Clüver

۲. بارتولد، و (۱۳۰۸)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور (طالب‌زاده)، بی‌جا: بی‌نا.

3. Historico-geographical survey of Iran

۱۳۵۰ به بعد آثار زیادی در حوزه جغرافیای تاریخی به نگارش درآمد. علت گرایش به این حوزه را می‌توان علاقه شکل گرفته به هویت ایرانی در این دوره دانست که نمود خود را در تحقیقات محلی بیشتر نشان می‌داد.

مفهوم جغرافیای تاریخی در ایران همچون تاریخ این مفهوم در دنیای غرب متأثر از دو رویکرد سنت کلاسیک و دنیای مدرن است. براین اساس جغرافیای تاریخی در مفهوم کلاسیک آن اغلب به عنوان مطالعه جغرافیای زمان‌های گذشته درک شده و در سنت مدرن آن بیشتر به معنای درک دگرگونی‌های تاریخی دارای اهمیت جغرافیایی و نه صرفاً دگرگونی‌های جغرافیایی فهم شده است. این امر صورت‌بندی‌های متفاوتی از جغرافیای تاریخی را موجب شده است که در آثار نوشته شده در قالب این دو گفتمان می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. اما آنچه که به نظر می‌رسد در تحقیقات جغرافیای تاریخی ایران همچنان نمود و ظهور دارد، تسلط سنت کلاسیک این گرایش مطالعاتی است. این امر به نظر می‌رسد ناشی از عدم آشنایی با مبانی نظری جدید جغرافیای تاریخی است که محصول دنیای مدرن و شناخت انسان به عنوان کنشگر اصلی در هستی است.

اثر حاضر که ویراستاری آن را مایکل پاسیون بر عهده داشته، یکی از آثار قابل تأمل در حوزه تبیین مبانی نظری جغرافیای تاریخی در دنیای مدرن محسوب می‌شود. این اثر نخستین بار در سال ۱۹۸۷ میلادی به چاپ رسیده و در سال ۲۰۱۱ مجدد توسط انتشارات راتلج تجدید چاپ شده است. اهمیت این اثر در گردآوری مجموعه‌ای جامع از مقاله‌هاست که هم به حوزه‌های نظری و هم به حوزه‌های عملی جغرافیای تاریخی توجه دارد. پرداختن به نظریه و روش‌شناسی و سپس توجه به منابع داده‌ها، سیر تاریخی توسعه علم جغرافیای تاریخی، بررسی جنبه‌های مختلف جامعه و اقتصاد کشاورزی و جامعه روستایی از منظر جغرافیای تاریخی، بررسی جغرافیای تاریخی تغییرات صنعتی و بررسی جغرافیای تاریخی از منظر جمعیت‌شناسی تاریخی و ریخت‌شناسی شهری ترکیب نسبتاً کاملی از مباحث مرتبط با حوزه جغرافیای تاریخی را در این اثر در اختیار خواننده می‌گذارد. ویراستار این مجموعه نیز با توجه به سابقه و تسلط خود در حوزه جغرافیای تاریخی سعی کرده مقالات مرتبط و هم‌سنخ را در یک مجموعه متشکل ارائه کند.

مایکل پاسیون ویراستار این اثر استاد دانشگاه استراتکلاید کلاسگو است که از سال ۱۹۷۵ به این دانشگاه ملحق شده و از سال ۱۹۹۰ کرسی رشته جغرافیا را در این



دانشگاه به دست آورده است. او استاد مدعو دانشگاه‌های وین اتریش و گلف کانادا نیز است. پاسیون آثاری در مورد ناسازگاری کاربری اراضی در حاشیه شهرها، سکونت‌گاه‌های جدید، سکونت‌گاه‌های اقلیت‌های قومی، ادراک محیطی، واحد پول محلی، تحلیل‌های انتقادی سیاست‌های شهری، مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی، توسعه شهری پایدار و موضوعات دیگر به رشته تحریر درآورده است، اما حوزه علاقه شخصی او جغرافیای شهری است. او بیش از ۲۵ کتاب و ۱۵۰ مقاله نوشته و در بیش از ۱۰۰ کنفرانس حضور داشته است. تخصص پاسیون جغرافیای کاربردی شهری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری، توسعه پایدار شهری و کیفیت زندگی است. او موفق به دریافت جوایزی همچون دریافت کمک‌هزینه افتخاری انجمن جغرافیایی سلطنتی اسکاتلند در سال ۲۰۰۹ و مدال تحقیق انجمن جغرافیایی سلطنتی اسکاتلند در سال ۲۰۰۹ نیز شده است. پاسیون مدرس جغرافیای تاریخی شهری و جغرافیای کاربردی شهری در دانشگاه استراتکلاید است.

ترجمه این اثر سختی‌هایی را به همراه داشت، متن پیچیده این اثر که ناشی از تعلق هر مقاله به یک حوزه تفکر است موجب شد تا متن یک‌دستی در اختیار مترجم نباشد؛ در واقع اگرچه ویراستار اثر، مایکل پاسیون، تلاش کرده تا مقالات مختلف را در قالب یک مجموعه واحد با بیانی متحدالشکل ارائه کند، اما این امر در عمل موفقیت‌آمیز نبوده است. علاوه بر آن نثر پیچیده خود اثر نیز در روند ترجمه مشکل‌زا بود. با توجه به این موارد در این اثر سعی شده تا حد امکان متنی ساده و روان از این کتاب با حفظ مفهوم مورد نظر نویسندگان ارائه شود. در شیوه معادل‌گزینی نیز سعی شده به معادل‌های رایج در زبان فارسی پایبند بوده و با ارائه صورت اصلی اصطلاحات، تقریب ذهنی از اصطلاحات این حوزه نزد خواننده ایجاد شود. در این میان سعی شده با ارائه توضیحاتی در پانویس کتاب اصطلاحات ناآشنا برای خواننده توضیح داده شود. صورت اصلی اسامی خاص نیز در پانویس اثر آمده است.

در انتها بی‌شک لازم است از سر خضوع و نه به رسم مألوف با پذیرش تمام کاستی‌های ترجمه و قبول مسئولیت آن، از تمام کسانی که در مسیر ترجمه این اثر به من کمک رساندند تشکر کنم. همسر مهربانم که در مواردی در ترجمه اثر کمک‌حالم بود و ترجمه این کتاب را به او تقدیم کرده‌ام؛ استاد عزیز دکتر علیرضا ملایی توانی و

## ۱۰ جغرافیای تاریخی

دکتر عبدالرحمن حسنی فر، دوست عزیزم بهرنگ ذوالفقاری و سیدمحمدحسین محمدی که در این مسیر کمک زیادی به من کرده‌اند، مجموعه انتشارات پژوهشگاه و تمام کسانی که سعی کردند تا این اثر دیرتر چاپ شود.

### بهباد اصغری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## پیشگفتار

مطالعات تاریخی در رشته جغرافیا آشکارا از زمان آغاز این مبحث، به عنوان یک رشته دانشگاهی ظهور کرده است. واقعیت این است که مطالعات جغرافیای تاریخی هم در قالب مکانی (نقشه برداری) و هم زمانی (گاه شماری) منجر به این ادعا شده که این حوزه مطالعاتی شاخه‌ای مجزا از دانش است. از این رو بدیهی است که این رشته تقریباً در مقایسه با دیگر شاخه‌های جغرافیا می‌تواند نامحدود به نظر برسد، این تمایز به دلیل تمرکز این رشته بر حوزه یا موضوع خاص نیست بلکه به خاطر تمرکز آن بر بعد چهارم یعنی زمان است. بنابراین چنین گفته می‌شود که از آن جایی که درک کامل از حال حاضر نیازمند شناخت از گذشته است، همه جغرافیا جغرافیای تاریخی است. با این حال در عمل، موضوع جغرافیای تاریخی توسط محققین تا حدودی گزینشی بوده و به طور معمول در قالب تمرکز بر الف) جغرافیای گذشته، ب) تغییر چشم انداز، ج) گذشته در زمان حال و د) تاریخ جغرافیایی خلاصه شده است. در واقع این امکان وجود دارد که از لحاظ روش شناختی این حوزه به بازسازی پایدار یا هم‌زمان دوره‌های گذشته<sup>۱</sup> و مطالعات در زمانی یا فرایندی<sup>۲</sup> تغییرات جغرافیایی تفکیک شود. در اساس جغرافیای تاریخی علاوه بر محوریت زمان در آن، به طور سنتی به عنوان یک رشته دانشگاهی نیز معرفی می‌شود که در مقابل روش‌های به کار گرفته شده در بررسی‌های مبتنی بر رویکرد تجربی قرار دارد، روش‌هایی که اغلب وابسته به منابع داده‌ای و تابع مقاصد

---

۱. «Static or synchronic reconstruction»، یعنی بازسازی گذشته براساس ارتباط آن با مؤلفه‌های همان عصر. مفهوم هم‌زمانی در مقابل مفهوم در زمانی ابتدا در زبان‌شناسی و توسط دوسوسور مطرح شد و به این معنی است که پدیده‌ها در یک فرایند تاریخی بررسی نمی‌شوند بلکه ارتباط پدیده با سایر مؤلفه‌های هم‌عصر او ملاک تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. «Diachronic or process studies»، مطالعات در زمانی به معنی بررسی پدیده در یک فرایند تاریخی است.

غیرجغرافیایی هستند؛ همچنین این رشته در مقابل محافظه‌کاری در قبال تحولات نظری و روش‌شناختی قرار می‌گیرد که بر دیگر شاخه‌های جغرافیای انسانی تأثیر گذاشته است. با این حال جغرافیای تاریخی در طول پانزده سال گذشته، از دیدگاه‌های نظری انسان‌گرایانه و ساختارگرا بهره برده و سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر کامپیوتر و روش‌های آماری را با آغوش باز پذیرفته است. در واقع از آن‌جا که محققان به دنبال درک اصول اساسی الگوهای جغرافیایی هستند، جغرافیای تاریخی بیشتر به بررسی‌های فرایندگرا توجه کرده است. علاوه بر آن در جغرافیای تاریخی به ارزش عبرت از گذشته نیز اشاره شده است. بنابراین به صورت سنتی، از لحاظ محتوایی نیز این رشته تمرکز بر موضوع کشاورزی و روستا و قرن نوزدهم را با بررسی سایر دوره‌ها و موضوعات متفاوت (مانند معماری بومی، تبعیض نژادی و درک چشم‌انداز) همراه کرده است. اما در نهایت در این رشته، ترکیب درست موضوعات مبنای بالقوه‌ای را در مطالعات تاریخی مبتنی بر منطقه، برای هم‌گرایی جغرافیای انسانی و طبیعی فراهم کرده است. این مجموعه مقالات بدیع در واقع برای قالب‌بندی موضوعات اساسی و تحولات اخیر تعدادی از حوزه‌های مهم جغرافیای تاریخی تدوین شده است. از این رو این کتاب پاسخ به این نیاز است که متنی ارائه شود تا به بررسی پیشرفت‌ها و وضعیت فعلی این حوزه بپردازد و نقطه رجوعی برای تحولات آینده در جغرافیای تاریخی را فراهم کند.

### مایکل پاسیون

دانشگاه استراتکلاید

گلاسکو

## مقدمه

محوریت جغرافیای تاریخی در کل این رشته در تمام نیم قرن گذشته فراز و فرود زیادی داشته است. در واقع جغرافیای تاریخی با رواج فلسفه انسان‌گرایی و ساختارگرایی، برخی از حوزه‌ها را که در طول دوره استیلای کمی‌گرایی در جغرافیا از دست داده بود، دوباره به دست آورده است. به همین دلیل در فصل اول این اثر رابین بولتن<sup>1</sup> تحولات اخیر در مبانی و روش‌شناسی جغرافیای تاریخی را بررسی کرده است. گرایش شاخص در این مطالعه حرکت از مطالعات پوزیتیویستی تجربی‌گرای گذشته تاریخی به تحقیقات مبتنی بر نظریه و در نظر گرفتن طیف وسیع‌تری از تفاسیر ممکن از وقایع تاریخی است. بنابراین درحالی‌که ارزش مطالعات بین‌المللی در این فصل مورد تأکید قرار گرفته است، به این امر نیز اذعان شده که بیشترین تحول در مبانی و روش‌شناسی این رشته در مقیاس ملی رخ داده است که نشانه‌ای از ظرفیت و گرایش این آثار در قلمروهای فرهنگی - سیاسی مختلف است. براین اساس مرحله «کلاسیک» جغرافیای تاریخی با مطالعه چشم‌اندازها و الگوهای سکونت‌گاه‌ها، بازنمای منابع داده‌های تاریخی و بازسازی جغرافیای منطقه‌ای گذشته نمود می‌یابد. چنین آثاری تا حد زیادی شبیه پوزیتیویسم تجربه‌گراست و جغرافیای تاریخی را به یک موقعیت برجسته در این رشته ارتقا داده و به رشد روش‌شناسی آن کمک کرده است. این سنت به جست‌وجوی منابع جدید داده‌ها، ارزیابی مجدد منابع موجود و رشد روش‌های جدید تحلیلی کمک مهمی کرده است. چنین مطالعاتی اگرچه به‌عنوان رویکردی داده‌محور مورد نقد قرار گرفته است، اما بحث در مورد مسائل محوری بررسی‌های تاریخی همچون گزارش‌های نوشته‌شده (به‌عنوان مثال دفتر ثبت املاک انگلستان، فهرست انحصار وراثت، اوراق عشریه، آمار جمعیت)، شواهد نقشه‌نگاری، و کار

---

1. Robin Butlin

میدانی (که از حفاری به سنجش از راه دور تغییر کرده است) را نیز موجب شده است. در واقع برای ارزیابی و استفاده از منابع داده‌های تاریخی، رشد بیشتر روش‌شناسی در این حوزه مورد نیاز است. با این حال برای جلوگیری از افراط باید مراقب انقلاب کمی‌گرایی نیز بود که انواع مدل‌های ریاضی (به‌عنوان مثال نظریه سیستم‌های عمومی<sup>۱</sup> و نظریه رویدادهای غیرمنتظره<sup>۲</sup>) و روش‌های تحلیلی آماری (به‌عنوان مثال: بررسی نزدیک‌ترین همسایه<sup>۳</sup> و رگرسیون<sup>۴</sup>) را ارائه کرده است. مشکلی که وجود داشت این بود که بسیاری از این‌گونه تکنیک‌های مدل‌سازی به‌جای شرایط پویا به الگوهای ایستا می‌پرداختند و علاوه بر آن اعتبار مجموعه داده‌های تاریخی را به‌عنوان داده‌های روش‌های آماری مورد شک و تردید قرار می‌دادند. نقد کلی به این موضوع این است که بسیاری از آثاری که عینیت‌گرایی را درپیش گرفته‌اند، فارغ از پیش‌داوری‌ها و کنش‌پذیری مکانی، رویکرد خطی به تغییر اتخاذ کرده و موفق به تشریح نظریه اصلی نشده‌اند. در واقع عدم پذیرش ناتورالیسم در این‌جا منجر به درپیش‌گرفتن رویکرد هرمنوتیکی شده است. این رویکرد تلاش دارد رویدادهای تاریخی را در چارچوب معانی نسبت‌داده‌شده به این رویدادها، از سوی عوامل دخیل در آنها بازسازی کند. از این‌رو جغرافیای تاریخی معاصر چشم‌اندازهای انسان‌گرایانه (به‌عنوان مثال ایده‌آلیسم و پدیدارشناسی) و ساختارگرایی (مانند مارکسیسم و ساختارگرایی) را با آغوش باز پذیرفته و بر هدف پیوند منطقه‌ای تأکید دارد. در این چارچوب، مفهوم مکان نیز از یک هویت فیزیکی به موقعیتی که در آن در یک رابطه دیالکتیکی با جامعه قرار می‌گیرد تغییر وضعیت داده است. با توجه به این موارد در این اثر ویژگی‌های تئوری مارکسیستی و انسان‌گرایانه نیز مورد بحث قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد در هر دو

۱. نظریه سامانه‌ها یا نظریه سیستم‌ها (به انگلیسی: Systems theory)، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که در پی بررسی و مطالعه نظری و ریاضی سامانه‌ها یا سیستم‌های گوناگون برمی‌آید. ر.ک: ایران‌زاده، سلیمان؛ نوروزی، داوود (۱۳۹۳)، *نظریه‌های سیستمی*، تبریز: فروزش؛ عنایتی، غلامرضا؛ هامونی، سیدآرمان (۱۳۹۲)، *نظریه‌های سیستمی*، مشهد: انتشارات مرندیز.

۲. نظریه فاجعه (به انگلیسی: Catastrophe theory)، نظریه‌ای در حوزه ریاضی است که مکانیزم‌های تغییرات ناگهانی و ناپیوسته یک وضعیت را در انواع مختلف پدیده‌ها شبیه‌سازی می‌کند. ر.ک: تاجداری، پرویز (۱۳۹۲)، *نظریه رویدادهای غیرمنتظره همراه با برخی کاربردهای آن*، تهران: آنا.

۳. «Nearest neighbour analysis»، روشی برای بررسی فاصله نقاط از یکدیگر و نزدیک‌ترین نقطه به نقطه مورد نظر و مقایسه این دو است.

رویکرد فوق، درحالی که سهم بالقوه تفسیر در جغرافیای تاریخی زیاد است، اما پیشرفت در آن نیز نیاز به تکمیل «دستورالعمل‌های» بیشتری دارد. چند مورد که مستحق توجه بیشتر در این چارچوب است شامل نقش زنان در گذشته، جغرافیای تاریخی سلطه، و مطالعه دقیق مناطق و جوامع می‌شود. این مطالعات به این موضوع منتهی می‌گردد که پایه‌های بناشده توسط روش‌های انسان‌گرایانه و ساختارگرا موجب دو چالش و فرصت عمده برای جغرافی‌نگاران تاریخی جهت توسعه یک چارچوب گسترده برای مطالعه، از طریق چشم‌انداز واقع‌گرایانه انتقادی، شده که تجربه‌های زندگی طیف گسترده‌ای از مردم را مورد توجه قرار داده است.

باید به این موضوع نیز اشاره داشت که با وجود محدودیت در دسترسی و برخی محدودیت‌های رازداری جغرافی‌نگاران تاریخی در بریتانیا، امروزه در این حوزه حجم گسترده و روزافزونی از داده‌ها در دسترس عموم قرار گرفته است، علاوه بر آن نیز در ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی مانند سوئد، حتی طیف گسترده‌تری از داده‌ها در حوزه عمومی قرار گرفته است.

در فصل دوم این اثر، جان همشیر<sup>۱</sup> تعدادی از مسائل کلیدی مربوط به استفاده از این منابع مختلف را مورد بحث قرار داده است. در واقع به‌طور سنتی، جغرافی‌نگاران تاریخی به‌جای بررسی خود منبع تمرکز بیشتری بر استفاده درست از داده‌ها دارند، اما نیاز به درک زبان (به‌عنوان مثال سندهای خارجی و یا اختصارنویسی‌های قرون وسطی)، روش‌ها (مانند مطالعه ساختار، مشاهده شخصی و یا ضبط شواهد شفاهی)، شکل‌های انتقال خبر (مانند دفتر خاطرات و یا گزارش مجلس)، و اهداف و انگیزه‌های مؤلف جهت استفاده مناسب از این داده‌ها نیز تعیین‌کننده است. در واقع درحالی که چنین اطلاعات محیطی ممکن است در جهت معرفی منابع در دسترس باشد، اما به‌دست آوردن آن اغلب نیاز به مطالعه ساختار کلی تاریخی، اقتصادی و اجتماعی آن دوره دارد. علاوه بر این برای جغرافی‌نگاران واحدهای مکانی نیز اهمیت زیادی دارند، اما این امر اغلب هرگز به صراحت بیان نشده و ممکن است از منابع انضمامی استنباط گردد. در هر صورت محقق باید روشی از تجزیه و تحلیل که با اهداف تحقیقات او تطابق دارد و با قابلیت‌های تعریف‌شده از منابع سازگار است را عرضه کند. از این رو این اثر به جریانی توجه دارد که در آن بحث‌های روش‌شناختی اخیر جغرافیای تاریخی

---

1. John Hamshere

منعکس شده است و به تغییر نوع منابع به‌کاررفته اشاره دارد. این موضوع از طریق تحقیقات انجام‌شده در طول سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۸۵ نشان داده شده است. در واقع آثار نوشته‌شده مابین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ با کاهش اتکا به عارضه‌های باقی‌مانده چشم‌اندازها و از طریق بازسازی چشم‌اندازهای گذشته که مبتنی بر شواهد نقشه‌نگاری (به‌عنوان مثال ریخت‌شناسی زیست‌گاه‌ها، اسامی مکان‌ها و مرزهای منطقه) است شناخته می‌شوند. از این رو منابع قرون وسطی که به‌جای داده‌های کیفی (مانند یادداشت‌ها یا روزشمار دربار پادشاهی)، داده‌های کمی (به‌عنوان مثال دفتر ثبت املاک انگلستان<sup>۱</sup>، صد طومار<sup>۲</sup>، و سوابق مالیاتی) را ارائه می‌کند، به‌صورت گسترده در این دوره مورد استفاده قرار گرفته است؛ و به اطلاعات عینی در استفاده از اسناد عمومی از قبیل دفتر ثبت احوال و بازده محصول اولویت داده است.

ماهیت این داده‌ها مناسب نقشه‌نگاری و بازنمایی داده‌های منابع تاریخی است و عنصر اصلی بسیاری از مطالعات را شکل می‌دهد. از سال ۱۹۷۰ نیز روش نگهداری داده‌ها با استفاده از کامپیوتر معمول شده و داده‌های آماری اواخر قرن نوزدهم در دسترس قرار گرفته است. در واقع این منابع مستند عینی با افزایش استفاده از منابع کیفی (به‌عنوان مثال مکاتبات شخصی، ادبیات و هنر) تکمیل شدند و تا حدودی با آثار منتشرشده در آمریکای شمالی در مورد فرایندها و مشاهده مهاجرت و یا با چشم‌اندازهای انسان‌گرایانه در جغرافیای انسانی رونق گرفته‌اند. روند کلی تحقیقات در دوره مابین سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۸۵، از افزایش بهره‌برداری از منابع قرن نوزدهم و بیستم و کاهش نسبی در استفاده از داده‌های قرون وسطی و قبل از آن حکایت دارد که منجر به تغییر جهت از مطالعات جامعه و چشم‌انداز روستایی به سمت تجزیه و تحلیل جامعه شهری و صنعتی شده است. در واقع جست‌وجو برای چارچوب‌های نظری مناسب برای این موضوع جدید در مقابل کاهش اهمیت پژوهش‌های مبتنی بر نقشه قرار گرفته است. از این رو گفته می‌شود که مشکلات مرتبط با تفسیر نقشه‌ها و اطلس‌های تاریخی نیازمند پژوهش‌های جدید است. به‌عنوان مثال مشکلات خاص مانند عدم وجود واحدهای

۱. «Domesday Book»، گزارش آماری است که به دستور ویلیام فاتح اولین پادشاه نورمن انگلستان در سال ۱۰۸۶ در سطح انگلیس و ولز صورت گرفت.

۲. «Hundred Rolls»، صد طومار سرشماری انگلستان و بخش‌هایی از آنچه در حال حاضر ولز نامیده می‌شود در اواخر قرن سیزدهم می‌باشد.



مکانی ثابت و عدم وجود واحدهای استاندارد اندازه‌گیری (به‌عنوان مثال گاری!)<sup>۱</sup> بر نقش منابع به‌کاررفته در نتایج تحلیل‌های ارائه‌شده اشاره دارد. باید به این نکته اشاره داشت که به‌کاربردن تکنیک‌های کامپیوتری در جغرافیای تاریخی به‌آرامی روبه‌توسعه است و تا حد زیادی به استفاده از نرم‌افزارهای آماری استاندارد برای مجموعه نسبتاً کوچکی از داده‌ها محدود شده است. در واقع پتانسیل کامل تکنولوژی کامپیوتری برای ذخیره، استفاده و تجزیه و تحلیل مجموعه زیادی از داده‌ها (مانند دفتر ثبت اسناد املاک انگلستان) هنوز به‌طور کامل درک نشده است. بنابراین چنین می‌توان نتیجه گرفت که محافظه‌کاری ذاتی جغرافیای تاریخی با توجه به منابع و روش‌شناسی داده‌ها ممکن است با فشارهای خارجی (تغییرات تکنولوژیکی، بودجه محدودشده تحقیقات، و پژوهشگران جوان اندک) و علاقه به تحقیقات چندرشته‌ای<sup>۲</sup> به چالش کشیده شود. از این رو جغرافیای تاریخی باید چارچوب روش‌شناسی را که اهمیت خاص چشم‌اندازهای جغرافیایی را ثابت می‌کند توسعه دهد.

قرون تاریک وسطی با اسناد مکتوب پراکنده و وابستگی به عارضه‌های باقی‌مانده مادی و در حوزه دانشگاهی، با توجه اندک به جغرافیای تاریخی نمود یافته است. بنابراین در فصل سوم این اثر گریم ویتنگتون<sup>۳</sup> به مسائل و پتانسیل تجزیه و تحلیل علم جغرافیا در قرون وسطی می‌پردازد. او در این راستا ابتدا آثار اولیه اروپایی را در باب مطالعات قرون وسطی رصد کرده است. در این بین او توجه ویژه‌ای به آثار نوآوران سوئدی نیز داشته که روش‌هایی از قبیل تجزیه و تحلیل کمی کشتزارها و مزارع، و تکنیک‌های اندازه‌گیری برای ترسیم موضوع تداوم در مزارع و کشتزارهای مسکونی را ابداع کرده است. این مکتب فکری به‌طور کلی مسئول گردآوردن تکنیک‌های مناسب رشته‌های مختلف (به‌عنوان مثال تشریح گرده‌های گیاهان، تشریح فسفات، عکاسی هوایی، تست رادیوکربن) و استفاده از آن‌ها برای مطالعه دوران قرون وسطی در اسکاندیناوی است. اما باید به این موضوع نیز توجه داشت که تمرکز اصلی مطالعات قرون وسطی بر نظام‌های کشاورزی و الگوهای اسکان محیط روستایی قرار دارد. از این رو مطالعات به مراتب اندکی در مورد ساخت و توسعه شهری در این دوره انجام

---

۱. واحد اندازه‌گیری در انگلستان.

2. Multi disciplinary

3. Graeme Whittington

شده است که این عدم تعادل خود قابل توجه است. در واقع بذرهای کاشته شده تحقیقات اولیه جغرافیایی قرون وسطی با باروری مکتب اسکاندیناوی که خود در تضاد با قلت نسبی آثار در بریتانیا قرار داشت، به صورت پراکنده رشد کرده است. به همین دلیل چنین اشاره شده است که آینده برای جغرافیای تاریخی قرون وسطی ممکن است به خاطر فقدان آشکار پژوهشگران جوان علاقه‌مند به این دوره یأس‌آور باشد. در این اثر نیز به منظور تعیین سهم جغرافی‌نگاران تاریخی در مطالعات قرون وسطی به آثار رشته‌های دیگر که به قرون وسطای بریتانیا به صورت خاص اشاره دارند، توجه شده است. در واقع شکستن مرزهای سنتی رشته‌ها که به طور مؤثری ادعای منحصر به فرد بودن جغرافیا را در بعد مکانی از بین می‌برد، به عنوان دلیل عمده کاهش نقش جغرافیا در این دوره شناخته شده است. این شرایط با تحولات روی داده در مطالعه شواهد جای نام‌ها نیز توجیه شده است. با این حال آثار اولیه مبتنی بر مطالعات زبان‌شناسی تاریخی<sup>۱</sup>، توجه به عوامل جغرافیایی را پذیرفته است. از این رو تفسیر مجدد آگاهی از فرایندهای اسکان در قرون وسطی، از جمله خاستگاه و پراکندگی انگلوساکسون‌ها در انگلستان، توسط متخصصین جای نام‌ها صورت گرفته است، به همین دلیل این تکنیسین‌ها تکنیک‌هایی که جغرافی‌نگاران تاریخی به طور سنتی به عنوان مشخصه رشته خود در نظر می‌گرفتند را با آغوش باز پذیرفته بودند. توجه محدود به شهرنشینی در قرون وسطی، (همچون بحث تداوم - یا فاجعه سرنوشت شهر روم) در درجه اول ناشی از کمبود اطلاعاتی است که محققان با آن روبه‌رو هستند. اگرچه بسیاری از شواهد در دسترس در قرون وسطی از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است؛ اما ادعا می‌شود که وابستگی به داده‌های ابتدایی برای بیان علت عدم دخالت جغرافیا در بررسی قرون وسطی کافی نیست. در این اثر به چند دلیل دیگر نیز برای توضیح اینکه چرا تخصص جغرافی‌نگاران تاریخی در مطالعات قرون میانه در دوره‌های پیشین توسعه نیافته اشاره شده است. این امر شامل گذار باستان‌شناسان از تحقیقات در مورد موقعیت‌های منفرد و دوره‌های مجزا به سمت «چشم‌انداز کلی» و دورنمای (جغرافیایی) است. هم‌زمان با اتفاقی که برای جغرافیا افتاده است، تأکید اخیر بر ارتباط پژوهش‌ها منجر به کاهش جغرافی‌نگاران تاریخی شده و قرون وسطی که تخصص اقلیت پژوهشگران است به طور نامتناسبی تحت تأثیر این مسئله قرار گرفته است. با وجود این

مشکلات، جغرافی‌نگاران تاریخی نقش مهمی در مطالعات قرون وسطی دارند. پیچیدگی بازسازی سبک زندگی در آن دوره بدان معنی است که این کار فراتر از قابلیت یک رشته خاص است. بنابراین نیاز به یک رویکرد مشترک چندرشته‌ای وجود دارد که در آن جغرافی‌نگاران تاریخی بتوانند با به‌کاربردن تجربه و تخصصشان در جهت تکمیل مهارت‌های کاوش‌های باستان‌شناسان، نقش با ارزشی در مطالعه «چشم‌انداز کلی» ایفا کنند. از این رو این امر برای هم‌زیستی سودمند جغرافیا و باستان‌شناسی مورد نیاز است.

در فصل چهارم این اثر، یان وایت<sup>۱</sup> در ابتدا به شناسایی محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی عصر قرون وسطی و پس از آن بررسی طیف وسیعی از موضوعات مربوط به چشم‌انداز، اقتصاد روستایی، مردم و جامعه روستایی، حمل‌ونقل و ارتباطات و شهرها دست زده است. در واقع جغرافی‌نگاران سهم قابل‌توجهی را در مطالعه سکونت‌گاه‌های روستایی و نظام‌های زمین‌داری داشته‌اند و به این ترتیب بازسازی چشم‌اندازهای گذشته موضوع مهمی برای آن‌ها محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال اثر اخیر که نقش مردم ماقبل تاریخ و روم را در ایجاد چشم‌انداز مدرن بررسی کرده است، منجر به تجدیدنظر در این دیدگاه شده که روستاهای هسته‌ای<sup>۲</sup> و نظام‌های آزاد زمین‌داری<sup>۳</sup> در اوایل دوران ساکسون<sup>۴</sup> ظهور کرده و به جای ثبات، شواهد بیشتری از تغییرات قابل‌توجه چشم‌انداز قرون وسطی ارائه کرده است. اما با وجود مشکلات ناشی از فقدان شواهد مکتوب، تلاش برای تشریح الگوی فرایندهای اساسی این دوره امری ضروری است. به همین دلیل مطالعه نظام‌های زمین‌داری قرون وسطی هم شامل مطالعات موردی می‌شود که به ذخیره دانش از تغییرات منطقه‌ای اضافه می‌گردد و هم شامل مشارکت در بحث‌های نظری در مورد منشأ و ماهیت آن‌ها می‌شود. موضوعات ارائه‌شده در این زمینه شامل رابطه بین استعمار تدریجی، زمین‌های تقسیم‌شده و کشاورزی عمومی، تأثیر شیوه‌های ارت‌بری و بازار زمین در تکه‌تکه‌شدن زمین، امکان اینکه نظام آزاد زمین‌داری راهبرد اجتناب از خطر را ارائه کند و مطالعه ارتباط بین

1. Ian Whyte

۲. مجموعه روستاهایی حول یک روستای مرکزی.

3. Open field system

۴. نام قبیله‌ای از قبایل آنگلو ساکسون.

حکمرانی و انسجام نظام‌های زمین‌داری می‌شود. در این مقاله با اشاره به مطالعه نظام‌های زمین‌داری در مقیاس منطقه‌ای مشکل ایجاد رابطه علی بین رویدادها نیز نشان داده شده است. اما با وجود اهمیت مطالعات موردی، در این‌جا فقدان توافق کلی در مورد قدرت نسبی عوامل توضیحی احتمالی وجود دارد. تأثیر آب‌وهوا بر تغییرات اجتماعی و اقتصادی نیز در این اثر مورد بررسی قرار گرفته است و به محیط‌های حاشیه‌ای که در تلاش برای کاهش مشکلات علت و معلولی هستند توجه خاص شده است. در واقع مطالعه جمعیت و جامعه روستایی در اواخر قرن شانزدهم با کمبود داده‌ها، ناشی از در دسترس عموم نبودن دفتر ثبت احوال دچار اختلال شده است. اما با این وجود رابطه بین تغییرات جمعیت و اقتصاد قرون وسطی موضوع تحقیقاتی مهمی محسوب می‌شود. یکی دیگر از کانون‌های مهم توجه جهت پژوهش علاقه بین‌المللی روبه‌رشد برای مطالعات جامعه است. در این مسیر، بازسازی دقیق جوامع محلی با بازسازی خانواده و ساختار خانواده، الگوهای خویشاوندی و همسایگی، سطح جرم و جنایت، شیوه‌های کنترل بارداری و میزان شیوع وام و قرضه همراه شده است. به‌طور کلی تحقیقات اخیر جمعیت‌شناختی میزان بیشتری از پویایی را در جامعه قرون وسطی نشان می‌دهد. در این میان مسائلی که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد شامل مطالعه قدرت، تضاد در جامعه فئودالی و اهمیت نسبی تأثیر شهر و روستا در گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری است. اما در زمینه حمل‌ونقل و ارتباطات در مقایسه با پرداختن به فعالیت‌ها و راه‌های حمل‌ونقل محلی و منطقه‌ای آثار بیشتری به تجارت بین‌المللی اختصاص یافته است. این امر به‌وضوح نشان‌دهنده محدودیت دسترسی به شواهد موجود بوده و نشان می‌دهد که بازسازی شبکه‌های جاده‌ای قرون وسطی هنوز به‌عنوان یک چالش مهم وجود دارد. از این‌رو مطالعه شهرهای قرون وسطی به‌جای توسعه چشم‌انداز کلی به تمرکز بر مکان‌های منحصربه‌فرد تمایل نشان داده است. بنابراین درحالی‌که پیشرفت‌های قابل‌توجهی در دهه‌های اخیر در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته، اما اهمیت در حال تغییر مراکز شهری در طول این دوره همچنان موضوع بحث است. براین‌اساس مطالعات صورت‌گرفته در سطح منطقه‌ای در جهت توسعه سلسله‌مراتب شهری ادامه یافته، ولی نسبتاً توجه کمی به مطالعه الگوهای اجتماعی شهری شده و این امر حوزه قابل‌توجهی را برای تحقیقات بیشتر ارائه کرده است. به‌طور کلی نظر به توجه اندک به مسائل مفهومی (مانند انتقال از فئودالیسم به